

وتوی قطعنامه شناسایی کشور فلسطین
در شورای امنیت سازمان ملل متحد؛
علل و پیامدها

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۴۱۲۸

بهمن‌ماه ۱۳۹۳

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۴.....	۱. مواضع کشورهای عضو شورای امنیت.....
۵.....	۲. علل وتوی قطعنامه توسط آمریکا.....
۸.....	۳. پیامدهای وتوی قطعنامه.....
۱۲.....	نتیجه گیری.....



وتوی قطعنامه شناسایی کشور فلسطین در شورای امنیت سازمان ملل متحد؛ علل و پیامدها

چکیده

چندی قبل در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴، ۱۸۰ کشور از مجموع ۱۹۳ کشور عضو مجمع عمومی سازمان ملل متحد به پیش‌نویس قطعنامه‌ای تحت عنوان «حق مردم فلسطین در تعیین سرنوشت خود» رأی مثبت دادند. این قطعنامه بار دیگر بر حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود از جمله حق داشتن یک دولت مستقل تأکید کرد و از همه کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل خواست تا همچنان به حمایت از مردم فلسطین و کمک به آنان برای نیل به حقوق حقه‌شان ادامه دهند. قطعنامه برای تصویب نهایی در شورای امنیت مطرح شد که با وتوی آمریکا ناکام ماند. آمریکا با هدف استمرار بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه خاورمیانه، محدودسازی استراتژیک فلسطین و افزودن بر دامنه مانور قدرت صهیونیسم، استمرار فرآیند به اصطلاح صلح خاورمیانه خارج از چارچوب نهادی سازمان ملل متحد و تحت تأثیر مستقیم زیاده‌خواهی‌های پایان‌ناپذیر صهیونیست‌ها به وتوی قطعنامه تشکیل کشور مستقل فلسطین اقدام کرد. پیامدهای این نحوه عملکرد آمریکا را می‌توان در تضعیف سیاست‌های سازشکارانه اعراب محافظه‌کار، عقب‌نشینی نسبی تشکیلات خودگردان از مواضع مماشات‌گرایانه در قبال صهیونیست‌ها، تقویت مواضع مقاومت در

منطقه، افزایش تمایلات توسعه‌طلبانه صهیونیست‌ها و استمرار امتیازگیری رژیم اسرائیل از اعراب در فرآیند صلح جستجو کرد.

مقدمه

این روزها علاوه بر تحولاتی که درون غزه و کرانه باختری رخ می‌دهد، در عرصه بین‌المللی نیز مسئله فلسطین به شکلی جدی مطرح شده است. تشکیلات خودگردان فلسطین به ریاست محمود عباس، طرح «دولت مستقل فلسطین» را به سازمان ملل برد و تصمیم داشت تا برخلاف سال ۲۰۱۲، این بار این طرح را به سرانجام مطلوبی برساند. پیش از این نیز در شصت‌وسومین مجمع عمومی سازمان ملل در اوایل پاییز ۲۰۱۱ محمود عباس طرحی را مبنی بر درخواست تبدیل «عضویت ناظر تشکیلات خودگردان فلسطین» به «عضویت ناظر دولت مستقل فلسطین» (عضویت کامل) به «بان کی مون» دبیرکل سازمان ملل متحد ارائه داد. براساس این طرح درخواست شده بود تا کشور مستقل فلسطین در محدوده مرزهای ۱۹۶۷ یعنی همان کرانه باختری، بخش شرقی بیت‌المقدس و منطقه غزه و به پایتختی بیت‌المقدس شرقی و به‌عنوان صد و نود و چهارمین عضو سازمان ملل متحد شناسایی شود. عباس، زمانی که این طرح را ارائه کرد، گفت: «این تقاضا به معنای به رسمیت شناختن (رژیم) اسرائیل و در کنار آن به رسمیت شناختن فلسطین است و ما خواهان تحقق اهداف مورد نظر (رژیم) اسرائیل هستیم، اما در عین حال خواهان تحقق اهداف مورد نظر فلسطین نیز می‌باشیم».

لازم به ذکر است که یک عضو جدید در سازمان ملل زمانی به رسمیت شناخته



می‌شود که مجمع عمومی به آن رأی مثبت داده و سپس در شورای امنیت به تصویب برسد و این به معنای اعمال نفوذ آمریکاست. اواسط نوامبر همان سال کمیته عضویت شورای امنیت بیانیه‌ای صادر کرد مبنی بر اینکه این کمیته موفق نشده است به اجماع اعضای شورای امنیت در خصوص درخواست فلسطینی‌ها دست یابد. این بازی آمریکا بود که با هماهنگی برخی اعضای شورای امنیت، شرایط را به گونه‌ای رقم زد تا ضمن فرار از پیامدهای وتوی طرح توسط خود او، اجماعی حاصل نشود و طرحی به تصویب نرسد. شکست طرح عباس البته برای او پایان کار نبود. اگرچه دولت مستقل فلسطینی که عضو ناظر سازمان ملل باشد، با کارشکنی‌های آمریکا و اسرائیل شکل نگرفت، اما در دسامبر ۲۰۱۲ پس از مدت‌ها کش‌وقوس، سازمان ملل به ارتقای وضعیت فلسطین در این سازمان از «موجودیت مستقل» به «کشور غیرعضو ناظر» رأی مثبت داد تا همچنان «دولت مستقل فلسطین» یک هدف محقق نشده باشد.

براساس آخرین قطعنامه پیشنهادی کشورهای عربی و فلسطینیان، یک ضرب‌الاجل سه‌ساله برای پایان اشغالگری سرزمین‌های فلسطین توسط رژیم صهیونیستی تعیین شده بود. در این قطعنامه که توسط ۲۲ کشور عرب و فلسطینیان تهیه شده و در جلسه مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسیده بود و توسط اردن به شورای امنیت برده شد، عقد پیمان صلح میان تشکیلات خودگردان فلسطینی و رژیم صهیونیستی تا پایان سال ۲۰۱۶ و خروج کامل این رژیم از تمامی مناطق اشغال شده فلسطینیان تا پایان سال ۲۰۱۷ پیش‌بینی شده بود. همچنین از سرگیری مذاکرات صلح میان دو طرف براساس مرزبندی‌های ۱۹۶۷ و پیش از ورود رژیم صهیونیستی به این مناطق، عقب‌نشینی این رژیم از مناطق اشغالی بیت‌المقدس شرقی و کرانه باختری در متن این قطعنامه مورد تأکید قرار گرفته بود.

۱. مواضع کشورهای عضو شورای امنیت

با برگزاری نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بررسی پیش‌نویس قطعنامه فلسطین، این قطعنامه پیشنهادی با کسب هشت رأی موافق و وتوی آمریکا به تصویب نرسید. پیش‌نویس قطعنامه فلسطین در شورای امنیت با رأی مخالف آمریکا و استرالیا، پنج رأی ممتنع و هشت رأی موافق تصویب نشد. چین، فرانسه و روسیه به‌عنوان اعضای دائم و آرژانتین، چاد، شیلی، اردن و لوکزامبورگ به‌عنوان اعضای غیردائم، هشت کشوری بودند که به این قطعنامه رأی موافق دادند. انگلیس تنها عضو دائم شورای امنیت بود که به این قطعنامه رأی ممتنع داد. مارک لیال گرانت، نماینده انگلیس در سازمان ملل متحد قبل از رأی‌گیری گفته بود: «مشکلاتی در متن به ویژه در ساختار مربوط به مدت زمان و بند جدید مربوط به آوارگان وجود دارد و از همین‌رو، معتقدم در این خصوص مشکلاتی خواهیم داشت». لیتوانی، نیجریه، کره جنوبی و رواندا نیز به‌عنوان عضو غیردائم به این قطعنامه رأی ممتنع دادند. این در حالی است که قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تصویب شدن به حداقل ۹ رأی موافق از ۱۵ رأی و ضرورتاً رأی مثبت ۵ عضو دائم نیاز دارند. ویتالی چورکین، نماینده روسیه در سازمان ملل متحد از این مسئله ابراز تأسف کرد که شورای امنیت قطعنامه تشکیل کشور مستقل فلسطینی را تصویب نکرده است. البته انتظار می‌رفت در صورت کسب حداقل ۹ رأی موافق، این قطعنامه از سوی آمریکا وتو شود چرا که واشنگتن از زمان تأسیس سازمان ملل تاکنون ۷۹ بار از حق وتو استفاده نموده که ۳۰ مورد آن علیه مسئله فلسطین صورت گرفته است. جف راتکه، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا پیشتر ادعا کرده بود: «فکر نمی‌کنیم که این قطعنامه مؤثر و سازنده باشد، بلکه



به عقیده ما این باعث بروز یک بن‌بست اجباری در دستیابی به توافق صلح و عقب‌نشینی (رژیم) اسرائیل از کرانه باختری خواهد شد. این قطعنامه به جای پایانی خوش و موفقیت‌آمیز بر مذاکرات آتی و مؤثر سایه می‌افکند». آمریکا مخالف جدی این قطعنامه، معتقد است در متن آن نگرانی‌های امنیتی رژیم صهیونیستی در نظر گرفته نشده است. کاخ سفید پیشتر اعلام کرده بود که حتی در صورت رأی آوردن این قطعنامه در شورای امنیت، آن را وتو خواهد کرد. سامانتا پاور، سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد، همزمان با اعلام رأی مخالف به این قطعنامه گفت: «ما مخالفت کردیم، اما این به آن معنا نیست که از وضعیت موجود (بحران خاورمیانه) راضی هستیم. ما رأی مخالف دادیم چون همان‌طور که همه می‌دانند، هرگونه مصالحه و تصمیم‌گیری بر سر مشکلات دو طرف، باید بر سر میز مذاکره صورت گیرد... ما معتقدیم که در این متن منافع و ملاحظات هر دو سو، مورد توجه قرار نگرفته است».

۲. علل وتوی قطعنامه توسط آمریکا

۱-۲. استمرار سیاست مدیریت بی‌ثباتی و ناامنی در خاورمیانه

مطابق تز برژینسکی در زمینه مدیریت بی‌ثباتی در خاورمیانه، اینکه در این منطقه بی‌ثباتی وجود دارد دارای اهمیت نیست، بلکه تنها مدیریت این بی‌ثباتی مهم است. به همین دلیل نیز از لبنان، عراق، سوریه و... تا سرزمین‌های اشغالی همگی در بی‌ثباتی هستند. بر این اساس، به نظر می‌رسد طرح‌هایی که در جهت ثبات‌سازی و امنیت‌سازی در خاورمیانه طرح می‌شوند، با استقبال آمریکا مواجه نمی‌گردد. دلیل آن را باید در تداوم حیات و استمرار حضور آمریکا در منطقه در شرایط بحرانی جستجو کرد. در این فضای

تحلیل کلان است که مخالفت سرسختانه آمریکا با قطعنامه به رسمیت شناختن کشور فلسطین معنا می‌یابد، زیرا در شرایط فروکش کردن آتش منازعه فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها بخش عمده‌ای از حضور منطقه‌ای آمریکا دچار ناکارکردی خواهد شد. غرض از مخالفت آمریکا، تضمین بی‌ثباتی است تا به این ترتیب بار دیگر خاورمیانه‌ای جدید شکل گیرد. همان‌گونه که یکبار این خاورمیانه توسط قدرت‌های غربی و در سال‌ها پیش شکل گرفت، اکنون نیز این قدرت‌ها براساس برنامه‌ریزی‌های طولانی‌مدت درصدد شکل‌دهی دوباره به این منطقه براساس خواست‌ها و برنامه‌های خودشان هستند.

۲-۲. محدودسازی استراتژیک فلسطینی‌ها/ افزایش قدرت مانور صهیونیست‌ها

از علل مهم مخالفت آمریکا با قطعنامه شناسایی کشور فلسطین، محدودسازی هرچه بیشتر فلسطینی‌ها در ابعاد استراتژیک می‌باشد. به این معنا که هرگونه ابتکار عملی که به موازنه‌سازی میان منافع صهیونیست‌ها و فلسطینی‌ها بدون در نظر گرفتن امتیاز و برتری برای طرف اول همراه باشد، به‌عنوان راه‌حلی یکجانبه و غیرسازنده توصیف می‌شود. درواقع، هدف همیشگی آمریکا و رژیم صهیونیستی در فرآیند به اصطلاح صلح خاورمیانه، محدود ساختن فلسطینی‌ها به سطوح حداقلی خواست‌ها و در مقابل افزودن بر دامنه قدرت مانور صهیونیست‌ها بوده است. به‌گونه‌ای که مماشات و همراهی آمریکایی‌ها در هر شرایطی با رژیم صهیونیستی حتی در شرایط نقض فاحش حقوق بین‌الملل نشان از پیروی و اشنگتن از تمایلات جاه‌طلبانه این رژیم دارد.



۲-۳. استمرار فرآیند صلح خارج از چارچوب نهادی سازمان ملل متحد

واشنگتن اگرچه بارها نظر مثبت خود را درخصوص طرح دو دولت و دولت مستقل فلسطینی مطرح کرده اما در این مسیر شیوه خاص خود را دارد. از نظر آمریکا، طرح دو دولت که بارها مورد تأکید محمود عباس نیز قرار گرفته، نه از طریق سازمان ملل که باید با مذاکره میان طرف‌های فلسطینی و صهیونیستی محقق شود. آمریکا سال‌هاست که سعی دارد تا به زعم خود سیاست «صلح» را در خاورمیانه و در پرونده فلسطین اجرایی سازد. حالا اگر طرف فلسطینی بتواند خارج از سیاست‌های اعمالی آمریکا، هدف خود را از طریق سازمان ملل محقق کند، عملاً سیاست صلح آمریکا شکست خواهد خورد. ازسوی دیگر، رجوع به سازمان ملل و دستیابی به هدف «دولت مستقل فلسطین» و به عضویت کامل در آمدن این سازمان خارج از فرآیند مذاکرات، امکان دادن امتیاز به آمریکا و رژیم صهیونیستی را منتفی می‌سازد. این رژیم درصدد است تا با مذاکره و فشار و شهرک‌سازی همزمان، هم از زمان بهره کافی را ببرد و هم تشکیلات خودگردان را ناچار به امتیازدهی کند تا در نهایت طرح «دولت یهودی» که با مخالفت گسترده فلسطینی‌ها روبرو شده را عملی سازد. اما رجوع به سازمان ملل ازسوی فلسطینی‌ها این روند را مختل می‌سازد.

۲-۴. زیاده‌خواهی پایان‌ناپذیر صهیونیست‌ها

صهیونیست‌ها در طول فرآیند تاریخی منازعه با فلسطینی‌ها نشان داده‌اند که از یک‌سو پایانی برای زیاده‌خواهی‌های خود قائل نیستند و در این مسیر توجهی به چارچوب‌های نهادی و هنجاری بین‌المللی نیز ندارند و ازسوی دیگر، تحت حمایت بی‌قیدوشرط آمریکا

مسیرهای نهادی بین‌المللی را نیز به سود خود هموار می‌یابند. قطعنامه‌های متعددی که آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد به نفع زیاده‌خواهی‌های صهیونیست‌ها و در مغایرت با منافع فلسطینی‌ها و تو کرده است، به روشنی دلالت بر همراهی و همگامی آمریکا با امیال غیرقانونی رژیم صهیونیستی دارد. از آنجا که قطعنامه شناسایی کشور فلسطین با ملزومات حقوقی بین‌المللی در زمینه تحدید حدود مرزهای سرزمینی همراه بود که در صورت تصویب بر سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی سایه می‌افکند، طبعاً نمی‌توانست با اقبال این رژیم و حامی آمریکایی آن مواجه شود. صهیونیسم حیات خود را در فضای منازعه و گسترش حدود و ثغور خود از طریق تجاوز به سرزمین‌های عربی می‌جوید و از این رو است که با هرگونه مانع و چالش در این مسیر به شدت مخالفت می‌کند که بدون شک در این مسیر نیازمند حمایت آمریکاست.

۳. پیامدهای وتوی قطعنامه

۳-۱. تضعیف سیاست‌های سازشکارانه اعراب محافظه‌کار

از نظر سنتی طیفی از حکام عرب همواره از مواضع خود در برابر رژیم صهیونیستی عقب‌نشینی کرده‌اند تا حدی که به سطح محافظه‌کاری تنزل یافته‌اند. آنها شأن مواضع خود را در برابر صهیونیسم تا حد پذیرش موجودیت آن و سپس پذیرش سیاست‌های جاه‌طلبانه و تجاوزکارانه آن علیه هم‌کیشان فلسطینی خود تقلیل داده‌اند. این وضعیت به مرور زمان با ادامه جاه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی به ضعف بیشتر سازشکاران و محافظه‌کاران عرب منطقه منجر شد. زیرا هر بار ثابت شده که صهیونیسم به‌عنوان یک جریان فکری و سیاسی هیچ حد و حدودی را برنمی‌تابد. موضوع اخیر نیز که با طرح



تشکیل دولت مستقل فلسطین شروع شد و با وتوی آمریکا به پایان رسید، علیرغم اینکه متضمن به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی نیز بود، اما باز با مخالفت شدید آمریکا و این رژیم مواجه شد. این موضع‌گیری نشان می‌دهد که سیاست‌های سازشکارانه حکام محافظه‌کار عرب در منطقه طی تمام سال‌ها بر بنیان‌های بسیار متزلزلی مبتنی بوده است و اهداف متصور در فرآیند به اصطلاح صلح آن هم در سطح حداقلی چیزی جز خوش‌بینی غیرواقع‌بینانه نبوده است.

۲-۳. عقب‌نشینی نسبی تشکیلات خودگردان از مواضع مماشات‌گرایانه در قبال صهیونیست‌ها

مخالفت آمریکا و رژیم صهیونیستی با طرح تشکیل دولت مستقل فلسطین را می‌توان عاملی مهم در عقب‌نشینی هرچند مقطعی تشکیلات خودگردان فلسطین از موضع مذاکره و مصالحه با صهیونیست‌ها تلقی کرد. طرح اخیر محمود عباس در راستای امضای اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به‌مثابه واکنشی اعتراض‌آمیز در برابر وتوی قطعنامه مذکور به شمار می‌آید. نتانیاهو در واکنش، خواستار مخالفت با درخواست تشکیلات خودگردان از سوی دیوان بین‌المللی کیفری شده و دلایل خود را بر فقدان هویت دولت‌بودگی برای تشکیلات خودگردان و پیوند این تشکیلات با جنبش‌های مبارز و مقاومت مبتنی ساخته است. او به نیت محمود عباس اشاره کرده که قصد دارد مقامات نظامی صهیونیست را برای محاکمه به دیوان بکشانند. گذشته از واکنش تند و صریح صهیونیست‌ها که خود نشان از ضعف آشکار آنها در حوزه‌های حقوق بین‌المللی و حقوق بشری دارد، اقدام محمود عباس در امضای اساسنامه رم حاکی از آن است که او نیز به

بی‌فایده بودن سازش و مصالحه با صهیونیست‌ها پی برده و در صدد اعمال فشار بر آنها برآمده است.

۳-۳. تقویت مواضع جبهه مقاومت در منطقه

جبهه مقاومت که از همان ابتدا موجودیت رژیم صهیونیستی را به چالش کشیده و به‌درستی فلسفه وجودی آن را با نزاع، خشونت و تجاوز گره زده بود، با گذشت زمان و استمرار سیاست‌های تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی و اثبات مواضع و دیدگاه‌های مقاومت‌گرایانه قوت بیشتری یافته است. این جبهه با وتو شدن قطعنامه شناسایی فلسطین برای چندمین بار طی چند سال گذشته، از مقبولیت و مشروعیت بیشتری به‌ویژه در میان جوامع اسلامی برخوردار شده است. این قبیل اقدامات حمایت‌گرانه آمریکا از رژیم صهیونیستی نتیجه‌ای جز گسترده‌سازی تمایلات آمریکاستیزی و صهیونیسم‌ستیزی در میان مسلمانان منطقه که رکن محوری اندیشه و عمل مقاومت می‌باشد، ندارد.

۳-۴. افزایش تمایلات توسعه‌طلبانه صهیونیست‌ها

آمریکا که بار دیگر با وتوی قطعنامه کشور فلسطین بر ادامه سیاست همراهی با صهیونیسم پای فشرد، به تشجیع و جسارت‌بخشی هرچه بیشتر به رژیم صهیونیستی کمک رسانده است. صهیونیست‌ها با اطمینان از حمایت‌های آمریکا که بخش مهمی از قدرت ساختاری نظام بین‌الملل را به‌واسطه کرسی دائم در شورای امنیت ملل متحد در اختیار دارد، به استمرار و گسترش تمایلات توسعه‌طلبانه خود امیدوار می‌شوند. آنها به



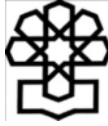
این نتیجه می‌رسند که در هر صورت اقدامی نهادی در سطح بین‌المللی علیه آنها اتخاذ نخواهد شد، چراکه آمریکا و همچنین سایر کشورهای اروپایی رسالت تأمین منافع صهیونیسم را به دوش می‌کشند و از این رو، صهیونیست‌ها خود را مقید به الزامات ناظر بر مسئولیت بین‌المللی برآمده از موازین حقوقی و عرفی نمی‌دانند.

۳-۵. استمرار امتیازگیری رژیم صهیونیستی از اعراب در فرآیند صلح

چنانچه قطعنامه تشکیل کشور فلسطین مورد موافقت قرار می‌گرفت، از جهاتی به روند امتیازگیری صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها پایان داده می‌شد یا آن را با چالش و سختی مواجه می‌ساخت. براین اساس، ادامه عدم قطعیت در وضعیت منازعه فلسطین - صهیونیسم و در شرایط تنش و بی‌ثباتی ناشی از آن روند امتیازگیری از اعراب و به‌طور مشخص از فلسطینیان ادامه می‌یابد. به همین دلیل است که آمریکا و رژیم صهیونیستی با هرگونه راه‌حلی هرچند سازشکارانه که خارج از کنترل آمریکا در فرآیند به اصطلاح صلح خاورمیانه حاصل شود، مخالفت می‌کنند. می‌توان انتظار داشت که رژیم صهیونیستی و آمریکا همچنان به سیاق گذشته و حتی مصرتر از قبل به تلاش‌های خود برای امتیازگیری منطقه‌ای ادامه دهند، به‌ویژه با توجه به اینکه به نظر بسیاری از کارشناسان، بازنده اصلی تحولات اخیر خاورمیانه، رژیم صهیونیستی بوده است.

نتیجه‌گیری

نتیجه سخن آنکه سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا با جانبداری بی‌قیدوشرط از رژیم صهیونیستی و با هدف صرف تأمین منافع این رژیم به‌دنبال درافکندن نظم تدریجی در منطقه است که هژمونی صهیونیسم را در آن به واقعیتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل سازد. مدیریت بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه به جای امنیت‌سازی با هدف زمینه‌سازی هژمونی منطقه‌ای رژیم اسرائیل از طریق محدودسازی استراتژیک فلسطین (حتی طیف سازشکار حاکم بر تشکیلات خودگردان) و نیز فراهم ساختن بستر لازم جهت افزایش دامنه قدرت مانور صهیونیست‌ها انجام می‌پذیرد. این در حالی است که از پیامدهای مهم این سیاست تقویت هرچه بیشتر مقاومت‌گرایی در منطقه و به‌ویژه در میان جوامع منطقه است که نتیجه اجتناب‌ناپذیر آن گسترش آمریکاستیزی و صهیونیسم‌ستیزی خواهد بود، زیرا بر بی‌ثمر بودن مذاکره و مصالحه با رژیم صهیونیستی دلالت دارد. اقدام تشکیلات خودگردان به منظور امضای اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به‌روشنی حکایت از تغییر مواضع آن و گذار از سازش منفعلانه دارد. البته این به معنای همراهی تشکیلات خودگردان با جبهه مقاومت نمی‌باشد، اما همین تغییر دلالت بر ناکامی سیاست‌های سازشکارانه و اذعان ضمنی آنها به این موضوع مهم دارد. زیرا بار دیگر بر همگان روشن شده است که آمریکا تحت هیچ شرایطی از حمایت بی‌قیدوشرط خود از رژیم صهیونیستی صرف‌نظر نخواهد کرد و از این‌رو این رژیم بر تمایلات تجاوزکارانه خود خواهد افزود که بی‌شک با موج فراگیر مقاومت در منطقه مواجه خواهد شد.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۱۲۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: وتوی قطعنامه شناسایی کشور فلسطین در شورای امنیت سازمان ملل متحد؛ علل و پیامدها

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: فاطمه سلیمانی پورلک

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. فلسطین

۲. تشکیلات خودگردان

۳. قطعنامه

۴. رژیم صهیونیستی

۵. آمریکا



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۱/۴